

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

هاله صفر زاده

۲۳ جون ۲۰۱۱

زندگی و مبارزه مردم مکزیک

در برابر نئولیبرالیسم

۳

نا امنی در مکزیک

نا امنی یکی از معضلات زندگی در مکزیک است. شاید کشور مکزیک را بتوان خطرناکترین کشور در میان کشورهای دنیا دانست. دو شهر از چهار شهر خطرناک دنیا، در مکزیک و در منطقه نزدیک مرز این کشور با امریکا (منطقه آزاد تجاری) قرار دارد. خطرناکترین شهر دنیا "سیوداد خوارز"، در شمال مکزیک قرار دارد. این شهر بیش از یک میلیون و چهارصد هزار نفر جمعیت دارد و مرکز مافیای مواد مخدر و درگیری‌های خونین پولیس و نیروهای امنیتی با باندهای تبهکار قاچاق مواد مخدر است. بناء به اعلام یک سازمان غیردولتی مکزیکی به نام "شورای مدنی دفاع از امنیت عمومی"، در سال ۲۰۰۸ در این شهر به ازای هر صد هزار نفر جمعیت آن، یک صد و سی مورد قتل گزارش شده است. این آمار در حالی است که شهر بغداد، که در سال‌های اخیر به دلیل انفجارهای تروریستی، یکی از نا امن‌ترین شهرهای دنیا است، در سال ۲۰۰۸ با چهل کشته به ازای هر صد هزار نفر جمعیت، در رده دهم شهرهای خطرناک دنیا قرار گرفته است. از ابتدای سال ۲۰۰۸ تا کنون و در عرض مدت کمتر از بیست ماه، حدود ده هزار نفر در مکزیک بر اثر درگیری‌های مرتبط با مواد مخدر جان باخته‌اند (۱). تنها در سال ۲۰۱۰ سه هزار نفر از شهروندان بی‌گناه، قربانی جنگ مواد مخدر شده‌اند که از این تعداد، حداقل ۱۶۹ نفر زن بوده‌اند.

در کشور مکزیک، از هر ده متعلم مکتب، يك نفر به مواد مخدر اعتیاد دارد و در دانشگاه‌ها از بین هر سه دانشجو، يك نفر آلوده به مواد مخدر است. در شرایطی که میلیونها کارگر جوان بیکار در جامعه مکزیک زندگی می‌کنند، فساد، رشوه خواری در نیروهای انتظامی، ارتش و نهادهای قدرت، زمینه مناسبی است برای شروع ناهنجاری‌های اجتماعی مانند تن فروشی، قاچاق و فروش مواد مخدر که جریانات مافیائی را تولید و باز تولید می‌کند. در نتیجه روز شرایط اجتماعی بدتر می‌شود.

امیلیا آلوارز مسؤول کمیته حقوق بشر می‌گوید:

"بیکاری گریبانگیر جوانان کشور است... طبق آمار ۱۶ درصد از جوانان بین ۱۵ تا ۲۴ سال مکزیکی، قربانی جنایات خشونت بار می‌شوند و ۷۶ درصد از جوانان، به دلایل مواجهه با این شرایط مشکل ساز، دچار بحران‌های روحی و روانی شده‌اند."

این نا امنی، یکی از منابع سرشار سود برای سرمایه داری است: تجارت مواد مخدر و اسلحه. امریکا نخستین مشتری کوکائین در جهان است و در اغلب موارد، شرکت‌ها و کمپانی‌های تسلیحاتی و دارویی بزرگ کشورهای غربی و سیاستمداران و نظامیان فاسد، بخش‌های بزرگی از سود این تجارت را به جیب می‌زنند. برخی مقامات پولیس هم، خود از اعضای این باندهای تبهکار هستند.

فعالیت باندها در مکزیك، موجب گسترش پولشویی در این کشور شده است. پول‌های غیرقانونی کمک می‌کند تا قاچاقچیان، سلاح نظامی خریداری و استفاده کنند. قاچاقچیان مواد مخدر، از قوانین سست و معاملات نقدی در مکزیك، به منظور تطهیر میلیاردها دلار سود سالانه در بانک‌های مکزیکی و مؤسسات مالی ارزی، استفاده می‌کنند. خرید املاک، هواپیما، مزارع پرورش و نگهداری اسب و محصولات هنری گران قیمت، به صورت نقدی با این پول‌ها صورت گیرد.

سفیر مکزیك در ایالات متحده، از واشنگتن خواسته است از قاچاق اسلحه از امریکا به مکزیك و پولی که به دست قاچاقچیان می‌رسد و موجب گسترش ابعاد جنگ بین باندها در مکزیك می‌شود، جلوگیری کند. نود درصد از سلاح‌های مورد استفاده قاچاقچیان، از امریکا به این کشور انتقال داده می‌شود.

در اسناد ویکی لیکس آمده است که ایالات متحده امریکا، یک میلیارد و ششصد میلیون دلار از پول مالیات دهندگان امریکائی را برای خرید سلاح و تجهیزات نظامی برای جنگ مواد مخدر در مکزیك، به دولت آن کشور پرداخت کرده است؛ اما این اسناد که در گاردین منتشر شده، نشان می‌دهد که به دلیل فساد اداری، پولیس مکزیك در جنگ مواد مخدر، شکست خورده است.

ناامنی ناشی از جنگ مواد مخدر در مکزیك، ناامنی را برای فعالان اتحادیه‌های مستقل مکزیك تشدید کرده است. این باندها، کارگران را ربوده و در مقابل دریافت باج، آزاد می‌کنند. فقط کارگران نفت مکزیك، قربانیان این ناامنی نیستند. در اواسط نومبر، یکی از کارمندان کلمبیائی از شرکت "سونیس نفت" که برای شرکت "پیمکس" کار انجام می‌داد، به ضرب گلوله کشته شد. کمیسیون ملی حقوق بشر مکزیك (CNDH) گزارش داده است که ۶۶ روزنامه نگار کشته یا ناپدید شده‌اند.

ارتش و پولیس به اسم مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر؛ اتحادیه‌ها، جنبش‌های اجتماعی و فعالان آن را هدف قرار می‌دهند. در واقع "فقدان ایمنی" را به بهانه‌ای برای سرکوب سازمان‌های اجتماعی تبدیل کرده‌اند. در نومبر ۲۰۱۰ یکی از کارگران فعال، که از اعضای قدیمی و شناخته شده‌ی اتحادیه مستقل است، تلفنی تهدید شد که "شما عضو یک کارتل مواد مخدر هستید". همه می‌دانند که این گونه تهدیدها جدی هستند.

یکی از فعالان اتحادیه‌ها، از دسامبر ۲۰۰۸ به اتهام واهی اختلاس از جوه سندیکا در زندان است. بازداشت وی بخشی از مبارزات انتخاباتی برای ایجاد ارعاب و سرکوب اتحادیه‌های مستقل مکزیك بود.

پولیس مکزیك به طور مداوم از شکنجه و گاهی اوقات، اعدام خودسرانه استفاده می‌کند. گروه‌های حقوق بشر گزارش کرده‌اند که پولیس و نیروهای ارتش مکزیك، مبادرت به همه گونه اقدامی از قبیل تجاوز به عنف، قتل، آدم ربائی و سرقت می‌کنند و این پولیس‌ها یا سربازان، به ندرت دستگیر یا محاکمه می‌شوند و تقریباً هرگز مجازات نمی‌شوند.

در کمال تعجب، علی‌رغم سطح بالایی از خشونت و تهدید به آدم ربائی، سرمایه‌گذاری خارجی در مکزیک و در منطقه مرزی شمال آن کشور ادامه دارد. تنها دلیلی که برای این سرمایه‌گذاری‌ها می‌توان تصور کرد، سود کلانی است که شرکت‌های خارجی، از دستمزد ارزان کارگران مکزیک در این نواحی نصیب‌شان می‌شود.

آنچه خواندیم گوشه کوچکی است از آنچه بعد از اجرای سیاست‌های نئولیبرالی بر مردم مکزیک گذشته و می‌گذرد. فقر، بیکاری، تبعیض قومی، جنسیتی، نامنی شدید و... اعتراضات بسیاری را به دنبال داشته است. این اعتراضات، مقاومت‌ها و مقابله‌ها به شیوه‌های مختلف در سرتاسر مکزیک در جریان است. شیوه‌های مبارزاتی مردم و کارگران مکزیک الگوی بسیاری از جنبش‌های اعتراضی در امریکای لاتین شده است.

جنبش اعتراضی زاپاتیست‌ها (۲)



در سال ۱۹۹۴ همزمان با بسته شدن قرارداد نفتا، جنبش چریکی ناشناخته‌ای به نام "ارتش آزادیبخش زاپاتیست‌ها" هفت شهر را در ایالت چیپاس اشغال کرد. این ایالت، یکی از فقیرترین ایالت‌های مکزیک است. زاپاتیست‌ها که تماماً بومی هستند، در ابتداء با مبارزه مسلحانه، کار خود را آغاز کرده و مناطقی از مکزیک را آزاد کردند. تابلوهایی با مضمون:

"به سرزمین سرکش زاپاتیست‌ها گام نهاده‌اید. در اینجا خلق فرمان می‌راند و حکومت اطاعت می‌کند"



مناطق زاپاتیستی را از سایر نقاط مکزیك مشخص می‌کند.

زاپاتیست‌ها معتقدند که سلاح وسیله‌ای برای دفاع در مقابل سرکوب شدید است. آنها هیچ نوع مبارزه‌ای را نمی‌کنند و معتقدند که شیوه‌های مبارزه، باید با شرایط محلی منطبق باشد. خاویر الوریگا، عضو "کمیته هم‌هنگی سراسری جبهه زاپاتیستی آزادیبخش ملی" در مورد نحوه مبارزه و فعالیت‌های زاپاتیستا چنین می‌گوید:

"مهم آن است که مبارزه کنیم، نه این که چگونه مبارزه کنیم. مبارزه علیه سرکوب، حماقت و استثمار، عملی انسانی است، بنابراین چرا باید يك شکل از مبارزه را به شکل دیگری ترجیح داد؟ آنچه نیاز داریم، این است که مردم به یکدیگر گوش فرا دهند، با یکدیگر قرار بگذارند و ساختن را آغاز کنند... زاپاتیسم در واقع از دوم جنوری ۱۹۹۴ از سلاح استفاده نکرده است. این به معنی زمین گذاشتن سلاح نیست، بلکه سلاح برای دفاع از خود است. اعتقاد بر این است که تنها با سلاح نمی‌توان تغییر به وجود آورد، چون تغییری که تنها با سلاح به وجود آمده باشد، از طرف گروهی علیه يك گروه دیگر است. آنچه ما می‌خواهیم، تغییری است که تنها شامل ساختار دولت نمی‌شود. ما، به زبان قدیمی، خواهان تغییر روابط تولیدی در جامعه هستیم. ما خواهان جامعه‌ای هستیم که در آن، روابط به اساس قدرت نباشد، نه تنها رابطه قدرت دولت بر ملت، همچنین رابطه قدرت صاحب کار بر کارگر، رابطه قدرت مرد بر زن و... جامعه‌ای دمکراتیک می‌خواهیم..."



"معاون فرمانده" مارکوس

آنان معتقدند که سازماندهی از پائین، تنها شکل سازمان دادن است. شعار اصلی زاپاتیست‌ها "برای همه، همه چیز؛ برای ما، هیچ چیز" است. فرماندهان آنان، از "کمیته مخفی انقلابی ایندیخنا" (بومیان) هستند. آنها نمایندگان روستاهایی هستند که ارتش زاپاتیستی را تشکیل می‌دهند. ارتش زاپاتیستی، ارتشی است که ممکن است با سلاح بجنگد، با سیاست بجنگد و یا با هر دو؛ اما در آن، منطق ارتش حکم نمی‌راند. منطق آبادی‌ها است که فرمان می‌دهد.

زاپاتیسم می‌گوید که بومیان، حاشیه نشین، کارگر، استاد، دانشجو و بیکار، به يك اندازه مهم هستند. آنها برای مکانیسم‌های اجتماعی و سیاسی مبارزه می‌کنند که در آن، دمکراسی واقعی وجود داشته باشد و اکثریت، واقعا بتوانند تصمیم بگیرند که چه می‌خواهند. در روستاهای زاپاتیستی، بنا بر سنن بومیان، تصمیم‌گیری به اساس توافق همگانی انجام می‌شود نه به اساس رأی. حتا در مواردی مانند مذاکره با دولت و...، فرماندهی تصمیم نمی‌گیرد که باید جنگید یا نه. مردم ساکن در روستاها، به فرماندهی دستور می‌دهند که شلیک نمی‌کنی، مگر این که به تو حمله کنند. نظامیان چنین تصمیمی را نمی‌گیرند، آبادی‌ها تصمیم می‌گیرند. آنها به روشنی خواهان همکاری نزدیکتر با گروه‌ها و سازمان‌های چپ هستند و بارها اعلام کرده‌اند:

"حتی یک شاهی از کمک‌هایی که برای صلحی عادلانه و در شأن انسانی دریافت کرده‌ایم، خرج جنگ نشد. برای جنگیدن نیاز به کمک نداشتیم، اما برای صلح داشتیم."

در سال ۲۰۰۳ حدود چهل شهرداری زاپاتیست را میان پنج منطقه خود مختار قسمت کردند و به همین تعداد، شوراهای مردمی برای اداره آنها برپا شد. مردان و زنانی به عنوان نماینده اقوام، به نوبت در طول يك یا دو هفته، مسؤولیت‌هایی را در این شوراها به عهده گرفتند. آنان معتقدند شیوه کار گروهی، افقی و چرخش مسؤولان، بهترین وسیله برای جلوگیری از فساد رهبران است. در حوزه مسائل قضائی، همه ترجیح می دهند که برای اقامه دعوا بر سر مالکیت زمین، دزدی و طلاق، "به جای دادسراهای رسمی، به خانه‌های انصاف بومی روی آورند". آنها بر این باورند که شیوه های بومی رسیدگی به دعاوی، "عدالانه‌تر" و "کارآمدتر" هستند.

زاپاتیست‌ها تغییراتی در نظام‌های بهداشت، آموزش، ارتباطات، تولید و اشکال جدید بازاریابی محصولات به وجود آورده‌اند که همواره بر مبنای "فرمانروائی در عین اطاعت" است، یعنی اداره کنندگانی که مبنای تصمیمات شان، توافق عمومی اهالی است. این یکی از سنن بومیان است. در این مناطق، "مجتمع‌های تولیدی کشاورزی" با رعایت مسایل زیست محیطی به کشت و کار می‌پردازند. شاید بتوان آنها را چیزی بین سندیکا و تشکل دهقانی دانست؛ مانند "تعاونی‌های تولید قهوه" که در ارتباط با "تجارت عدالانه" تولید می‌کنند و محصولات شان را در مکزیك و خارج از کشور، به فروش می‌رسانند. در این شیوه، آنچه تولید می‌شود و آنچه به فروش می‌رسد، توسط اهالی کنترل می‌شود.



قهوه محصول زاپاتیست ها: عاری از مواد شیمیایی

یکی دیگر از اقدامات آنان، تأسیس يك بانک مردمی خود مختار زاپاتیستی (Banpaz) در "جنگل لاکاندون" است که از آن، به عنوان يك پروژه ضد سرمایه داری نام برده می شود و بناء به تصمیم اهالی محل، به اجراء درآمده است. پس از اجرای این برنامه‌ها، میزان فرار از مدرسه، سوء تغذیه و مرگ و میر کودکان، که پیش از سال ۱۹۹۴ در مقایسه با سایر نقاط کشور به بالاترین سطح رسیده بود، رو به کاهش نهاده است. بخش زنان جنبش از سال ۱۹۹۳ خواستار اجرای سختگیرانه "قانون ترك الكل" بوده است. پس از اجرای این قانون، از میزان اعتیاد به مشروبات الکلی کاسته شده است.

ادامه دارد

پاورقی ها:

۱- روزنامه های ابتکار و جام جم، صدیقه حاج نوروزی، شنبه ۷ شهریورماه/اسد] ۱۳۸۸ (buzzle.com) و (microsoft.com)

۲- "آيا جنبش زاپاتيست ها از مد افتاده است؟"، برنار دوترم، معاون مدير مركز سه قاره ای در دانشگاه لوون
(بلژيك)، ترجمه منوچهر مرزبانين - مصاحبه با خاوير الوريگا، رسول رحيم زاده، اکتبر ۲۰۰۰